



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۰۸

نویسنده: جفری دی ساکس

مترجم: سید حسام مل

ترامپ و نتانیاہو: دو دیوانه که نقش خدا را بازی می کنند

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم ۲۰۲۶/۰۴/۰۶

وقتی رهبران دیوانه از فاجعه الهی به عنوان ابزاری سیاسی استفاده می کنند، فقط دشمنانشان نیستند که نابود می شوند. اگر جلوی آنها گرفته نشود، همه ما قربانی این دو روان پریش خواهیم شد

پیام عید پاک دونالد ترامپ به جهان:

سه شنبه در ایران، روز نیروگاه و روز پل خواهد بود، همه در یک روز. هیچ چیز دیگری مثل این نخواهد بود!!! تنتگه لعنتی را باز کنید، حرامزاده های دیوانه، وگرنه در جهنم زندگی خواهید کرد - فقط تماشا کنید! الحمدلله. رئیس جمهور دونالد جی. ترامپ.

دونالد ترامپ و شریک او در جنایات جنگی، بنیامین نتانیاہو، به طور مشترک جنگی تجاوزکارانه و مرگبار را علیه ایران، کشوری با ۹۰ میلیون نفر نفوس، به راه انداخته اند. آنها گرفتار سه مرض به هم پیوسته هستند. اولین بیماری، شخصیت است: هر دو خودشیفته های خبیث هستند. دومی، تکبر قدرت است: مردانی که قدرت فرماندهی نابودی هسته ای را دارند و در نتیجه، هیچ محدودیتی احساس نمی کنند. سومی، و خطرناک ترین آنها، توهم مذهبی است: دو مردی که معتقدند و روزانه اطرافیانشان به آنها می گویند که مسیح هستند و کار خدا را انجام می دهند. هر مرض، مرض دیگر را تشدید می کند، به طوری که آنها با هم جهان را در معرض خطر بی سابقه ای قرار می دهند.

نتیجه، تجلی از خشونت است که از زمان رهبران نازی دیده نشده است. سوال این است که آیا محدود بزرگسالان جهان - رهبران ملی مسئول که به قوانین بین المللی متعهد هستند و مایل به گفتن آن هستند - می توانند آنها را مهار کنند. این کار آسان نخواهد بود، اما آنها باید تلاش کنند.

بیباید با اختلال روانی زمینه ای شروع کنیم. خودشیفتگی خبیث یک اصطلاح عضوی است، نه یک توهین. روانشناختی اجتماعی، اریش فروم، این عبارت را در سال ۱۹۶۴ برای توصیف آدولف هیتلر، به عنوان ترکیبی از خود بزرگ بینی یا تولوژیک، روان پریشی، پارانویا و شخصیت ضد اجتماعی در یک ساختار شخصیتی واحد، ابداع کرد. خود شیفته بدخیم صرفاً مغرور نیست. او از نظر ساختاری قادر به همدلی واقعی نیست، ذاتاً در برابر احساس گناه مصون است و با این اعتقاد پارانوییدی هدایت می شود که دشمنان او را احاطه کرده اند و باید نابود شوند. پیش از این در سال ۲۰۱۷، روانشناس جان گارنتر و بسیاری از متخصصان دیگر در مورد خودشیفتگی بدخیم ترامپ هشدار داده بودند. وقتی قدرت با هیچ محدودیتی روبرو نیست، تنها کنترل درونی باقی مانده وجدان است. و روان پریش وجدان ندارد.

چندین روانشناس معتبر، ترامپ را از نظر روان پریشی با استفاده از مقیاس استاندارد هار ارزیابی کرده اند و به نمراتی بسیار بالاتر از حد تشخیصی رسیده اند. برای مثال، اینجا را ببینید. روان پریشی به بهترین وجه به عنوان فقدان وجدان یا دلسوزی برای سایر انسان ها توصیف می شود.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

هم ترامپ و هم نتانیا هو با دقت در این مشخصات قرار می‌گیرند. روان‌پریشی ترامپ زمانی کاملاً آشکار شد که نیروهای آمریکایی یک پل غیرنظامی در تهران را که اهمیت نظامی نداشت، با حداقل هشت کشته و ۹۵ زخمی یا بیشتر، تخریب کردند. ترامپ غمگین نشد. او با غرور و افتخار وعده تخریب بیشتر را داد. سخنرانی نتانیا هو در عید فصح نیز به همین ترتیب حاوی یک کلمه برای مردگان نبود. بدون مکث. بدون سایه شک. فقط فهرست پیروز مندانهای از دشمنانی که او نابود کرده است.

پارانویا تهدید ی را که ترامپ و نتانیا هو ایجاد کرده‌اند، هدایت می‌کند. تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی خود ترامپ، به صورت کتبی شهادت داد که برنامه اتمی ایران "از بین رفته" است و جامعه اطلاعاتی "همچنان به ارزیابی خود مبنی بر اینکه ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست، ادامه می‌دهد." اژانس بین‌المللی انرژی اتمی با قطعیت اعلام کرد که هیچ مدرکی مبنی بر وجود بمب وجود ندارد. مقام ضد تروریسم خود ترامپ در اعتراض استعفا داد و نوشت: «ما این جنگ را به دلیل فشار اسرائیل و لابی قدرتمند آمریکایی آن آغاز کردیم.» این فرد پارانویید به تهدید واقعی نیاز ندارد. او اگر لازم باشد، تهدیدی ساختگی ایجاد می‌کند تا با احساس ترس اغراق‌آمیز خود مطابقت داشته باشد.

ماکیاولیس بدون شرمساری عمل می‌کند. ترامپ به جهان گفت که دیپلماسی همیشه «اولویت اول» اوست، در حالی که همزمان به پاره کردن توافق هسته‌ای با ایران می‌بالیید: «من از انجام این کار بسیار مفتخر بودم. من از انجام آن بسیار مفتخر بودم.» او چارچوب دیپلماتیک را با دستان خود نابود کرد، سپس ایران را به خاطر ویرانی‌ها سرزنش کرد. سپس، به طور اتفاقی، اعتراف کرد که این جنگ هیچ منطق دفاع از خودی ندارد: «ما مجبور نیستیم آنجا باشیم. ما به نفت آنها نیاز نداریم. ما به هیچ چیزی که آنها دارند نیاز نداریم. اما ما آنجا هستیم تا به متحدان خود کمک کنیم.» طبق منشور سازمان ملل، دفاع از خود تنها مبنای قانونی برای زور است. ترامپ اعتراف کرده است که چنین مبنایی وجود ندارد. قدرت، شخصیت‌های خاصی را دچار نوعی کژدیسی می‌کند و این کژدیسی به‌ویژه زمانی حادث می‌شود که قدرت مورد بحث، نامحدود باشد یا چنین به نظر برسد. ترامپ و نتانیا هو با در اختیار داشتن زرادخانه‌های هسته‌ای، جهان را مانند دیگران تجربه نمی‌کنند. در دسترس بودن سلاح‌های هسته‌ای، برای این خودشیفته‌های بدخیم، بار مسئولیت نیست، بلکه امتداد خودبزرگ‌بینی آنهاست: من می‌توانم هر کاری انجام دهم. من می‌توانم هر چیزی را نابود کنم. مراقب من باشید. نتانیا هو و ترامپ در مورد این بزرگنمایی و هم‌آلود، هیچ خویشتنداری نخواهند داشت.

ترامپ و نتانیا هو دنیا را آنطور که دیگران تجربه می‌کنند، تجربه نمی‌کنند.

ترامپ این حس مصونیت از مجازات را کاملاً درونی کرده است. در اول اپریل، او در مقابل کمره‌ها ایستاد و قول داد که ایران را "به عصر حجر، جایی که به آن تعلق دارند" بمباران کند. عبارت "جایی که به آن تعلق دارند" حکم مردی است که احساس می‌کند به طور الهی مجاز است تا در مورد ارزش ۹۰ میلیون نفر قضاوت کند و بدون هیچ تردیدی آنها را غیرانسانی جلوه دهد. او بارها تهدید به نابودی زیرساخت‌های برق غیرنظامی ایران کرده است - یک جنایت جنگی طبق قوانین درگیری‌های مسلحانه، که آشکارا به عنوان یک موضع مذاکره اعلام شده است، برای مخاطبان جهانی که عمدتاً کانال را تغییر داده‌اند.

نتانیا هو کشوری را با حدود ۲۰۰ کلاهک اتمی فرماندهی می‌کند، هرگز پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی را امضا نکرده است و تحت هیچ رژیم با زرسی بین‌المللی فعالیت نمی‌کند. او شاهد بوده است که ترامپ قدرت نظامی آمریکا را با تجاوز بی‌حد و حصر به کار می‌گیرد و موافق است که هیچ عواقبی ندارد. جنون دوم، جنون سوم را تغذیه می‌کند: وقتی قدرت با هیچ محدودیتی روبرو نیست، تنها کنترل داخلی باقی مانده وجدان است. و روان‌پریش وجدان ندارد.

فقدان وجدان خطرناک‌ترین آسیب‌شناسی از بین این سه است، زیرا همان چیزی است که آخرین برک یا بازدارندگی درونی ممکن را از بین می‌برد. استراتژیستی که جنگی ناعادلانه را به راه می‌اندازد، ممکن است در نهایت محاسبه کند که هزینه‌ها از سودها بیشتر است و متوقف شود. خودشیفته‌ی بدجنسی که برای نفس جنگ به راه می‌اندازد، ممکن است در نهایت خواسته‌های نفس را به پایان برساند و متوقف شود. روان‌پریش تشدید می‌شود زیرا هیچ محدودیتی وجود ندارد.

و اگر بتوانید باور کنید، اوضاع حتی بدتر هم می‌شود. هم ترامپ و هم نتانیاهو مدعی مسیح شدن هستند. آنها خود را نمایندگان خدا می‌دانند. برای آنها، توقف جنگ علیه ایران به معنای اشتباه خدا است. و مسیح خودخوانده نیز نمی‌تواند اشتباه کند، زیرا مسیح و خدا، در روان خودبزرگ‌بینانه، عملاً یکی شده‌اند.

هم ترامپ و هم نتانیاهو به صراحت این هویت مسیحایی را ادعا کرده‌اند. ترامپ خود را "برگزیده" نامیده است. او در مورد سوءقص د به جان ترامپ در سال ۲۰۲۴ اظهار داشت: «من در آن زمان احساس می‌کردم و اکنون که جانم به دلیلی نجات یافته، بیشتر به آن معتقدم. من توسط خدا نجات یافته‌ام تا آمریکا را دوباره بزرگ کنم.» نتانیاهو در سخنرانی خود در آستانه عید فصح، صرفاً به خدا متوسل نشد. او نقش خدا را در روایت خروج به خود اختصاص داد - ده «دستاورده» از آنچه او «جنگ رستگاری» می‌نامد، برشمرده و هر یک را طاعون نامید. او قتل آیت‌الله خامنه‌ای را «طاعون نخست‌زاده» نامید. سپس به جهان هشدار داد.

پس از ده بلای مصر، به شما یادآوری می‌کنم که فرعون هنوز سعی در آسیب رساندن به قوم اسرائیل داشت و همه ما می‌دانیم که این ماجرا چگونه به پایان رسید.

در کتاب خروج، آن پایان، غرق شدن کل ارتش فرعون است. نتانیاهو در تلویزیون، به زبان کتاب مقدس، ایران را به نابودی تهدید می‌کرد.

اطراف هر یک از این مردان، دادگاهی از چاپلوسان و متعصبان است که وظیفه‌شان حفظ توهم و جلوگیری از ورود واقعیت به آگاهی آنهاست.

محکمه ترامپ:

هگست، هاکی و ملی‌گرایان مسیحی پیت هگست، وزیر دفاع، پنتاگون را به صحنه جنگ مقدس تبدیل کرده است. او یک خالکوبی صلیب اورشلیم را روی سینه خود و کلمات "God Wills It, Deus Vult" را، شعار جنگ‌های صلیبی قرون وسطی، را روی بازوی خود دارد. او میزبان مراسم عبادت ماهانه مسیحی در سالن پنتاگون است. او از مردم آمریکا خواسته است که "هر روز، با زانوی خم شده" برای پیروزی نظامی در خاورمیانه "به نام عیسی مسیح" دعا کنند. در یکی از این مراسم، او با صدای بلند برای نیروهای آمریکایی دعا کرد تا اعمال کنند:

خشونت فراگیر علیه کسانی که شایسته هیچ رحمی نیستند... ما این چیزها را با اعتمادی جسورانه به نام قدرتمند و قدرتمند عیسی مسیح درخواست می‌کنیم.

هگست در یک نشست مطبوعاتی در مورد جنگ ایران گفت که ایالات متحده "با بمب مذاکره می‌کند". او رهبران ایران را "متعصبان مذهبی" توصیف کرد که به دنبال توانایی هسته‌ای برای "نوعی آرماگون مذهبی" هستند، در حالی که ریاست مراسم دعای ماهانه در پنتاگون را بر عهده داشت و اعلام کرد که "مشیت خدای متعال ما در آنجا از این نیروها محافظت می‌کند." به نظر می‌رسد او از آینه‌ای که در دست دارد، آگاهی ندارد. وزیر دفاعی که به نام عیسی برای "خشونت فراگیر" دعا می‌کند، در حالی که دشمنان خود را متعصبان مذهبی می‌نامد، کلمه "فراقنی" را تعریف کرده است.

مایک هاکی، سفیر ایالات متحده در اسرائیل، معماری الهیاتی را ارائه می‌دهد. هاکی، یک کشیش باپتیست و یک صهیونیست مسیحی پرشور، معتقد است که درگیری اسرائیل و ایران، تحقق پیشگویی کتاب مقدس است - گامی ضروری به سوی عروج و ظهور مجدد مسیح. او پیامی برای ترامپ فرستاد - که ترامپ سپس آن را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرد - و آن لحظه را با ترومن در سال ۱۹۴۵ و انداختن بمب‌های اتمی بر جاپان مقایسه کرد و از ترامپ خواست که به «صدای او»، یعنی خدا، گوش دهد.

در مصاحبه‌ای، از هاکی در مورد اعطای زمین‌های کتاب مقدس از نیل تا فرات - شامل لبنان، سوریه، اردن و بخش‌هایی از عربستان سعودی و عراق - و اینکه آیا اسرائیل حق الهی بر همه آنها دارد، سوال شد. پاسخ او صریح بود: «اگر همه آنها را می‌گرفتند، خوب بود.»

اسموتریچ، وزیر دارایی راست افراطی اسرائیل، به نوبه خود، در رسانه‌های اجتماعی پست گذاشت: «من ♥ هاکی هستم.» جان هاگی، کشیش صهیونیست مسیحی، که سازمان او با نام «مسیحیان متحد برای اسرائیل» محرک اصلی حمایت انجیلی ایالات متحده از جنگ‌های اسرائیل بوده است، به جنگ ایران نگاه کرد و به سادگی گفت: «از نظر نبوتی، ما درست حدس زده‌ایم.» فرانکلین گراهام، در مراسم دعای عید پاک کاخ سفید، توهمات مسیحایی ترامپ را تقویت کرد: «امروز ایرانی‌ها، رژیم شرور این دولت، می‌خواهد هر یهودی را بکشد و آنها را با آتش اتمی نابود کند. اما شما رئیس جمهور ترامپ را بزرگ کرده‌اید. شما او را برای چنین زمانی بزرگ کرده‌اید. و پدر، ما دعا می‌کنیم که شما به او پیروزی بدهید.»

دربار نتانیاهو: بن گویر، اسموتریچ و شهرک‌نشینان مسیحایی

دربار داخلی اسرائیل متشکل از دو چهره است که رادیکالیسم آنها چنان افراطی است که تا زمانی که نتانیاهو از آرای آنها برای ماندن در قدرت استفاده نکرد، از نظر سیاسی مطرود محسوب می‌شدند.

ایتامار بن گویر، وزیر امنیت ملی، از تحسین‌کنندگان خاخام فقید، مایر کاهان، است که حزب کاج او به عنوان یک سازمان تروریستی تعیین شده بود.

بزلال اسموتریچ، وزیر دارایی، ایدنولوژی خود را از خاخام زوی یهودا کوک می‌گیرد، که معتقد بود پیروزی نظامی اسرائیل در سال ۱۹۶۷ از جانب خدا واجب شده و شهرک‌سازی در سرزمین‌های فلسطینی خواست خداست. آنها با هم ۲۰ کرسی در ائتلاف ۶۷ کرسی نتانیاها را در اختیار دارند. آنها صرفاً به نخست وزیر مشاوره نمی‌دهند، بلکه در باورها و دیدگاه مسیحایی او سهیم هستند.

بن گویر از کنترل خود بر پلیس اسرائیل برای فعال کردن شبه‌نظامیان شهرک نشین برای عملیات علیه فلسطینیان در کرانه باختری استفاده کرده است. او دائماً مذاکرات آتش‌بس را مسدود کرده و آشکارا مسئولیت تأخیر در آنها را بر عهده گرفته است. او در مخالفت با وضع موجود که دهه‌ها حفظ شده بود، برای حقوق آیینی یهودیان در تپه معبد تلاش کرد، اقدامی که مقامات امنیتی اسرائیل هشدار دادند که مستقیماً به خونریزی منجر خواهد شد. در اوت ۲۰۲۳، او اعلام کرد: «حق من، و حق همسر و فرزندانم برای تردد در جاده‌های یهودا و سامره، از حق تردد اعراب مهم تر است.» بریتانیا، کانادا، استرالیا، نیوزیلند، نروژ، اسلونی، هلند و اسپانیا همگی او را به دلیل تحریک خشونت تحریم کرده‌اند، با این حال ایالات متحده، تحت رهبری مارکو روبیو، از بن گویر دفاع کرد و از این تحریم‌ها انتقاد کرد. اسموتریچ روشن‌تر از این دو است: کمتر نمایشی و خطرناک‌تر. او به طور سیستماتیک حکومت غیرنظامی کرانه باختری را از ارتش اسرائیل به وزارتخانه خود منتقل کرده و صدها میلیون شیکل را به زیرساخت‌های شهرک نشینان اختصاص داده است، در حالی که بودجه‌های تشکیلات خودگردان فلسطین عمداً خفه می‌شود. او به دفتر خود دستور داده است که «یک طرح عملیاتی برای اعمال حاکمیت» بر کرانه باختری تدوین کند. در طول جنگ ایران، او از اسرائیل خواست که جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی ضمیمه کند و اعلام کرد که جنگ «باید با واقعیتی کاملاً متفاوت پایان یابد». ایدنولوژی اسموتریچ از آموزه کوک الهام می‌گیرد که شهرک‌سازی سیاسی نیست، بلکه مقدس است - یک تعهد الهی که باید صرف نظر از قوانین بین‌المللی، حقوق فلسطینیان یا نظر جهان تکمیل شود. مرزهای ۱۹۶۷، در این الهیات، یک واقعیت نظامی موقت نیستند. آنها کار ناتمام خدا هستند.

بزرگسالان جهان باید سعی کنند جلوی این دیوانگی را بگیرند.

نه بن گویر و نه اسموتریچ چیزی بیش از یک افراط‌گرای حاشیه‌ای نبودند، قبل از اینکه نتانیاها با آوردن آنها به دولت و دربار داخلی خود، آنها را مشروعیت بخشد. او به آنها قدرت بر جامعه اسرائیل داد و آنها به او قدرت آتش ملی-مذهبی دادند تا جنگ‌های خود را یک مأموریت الهی بنامد. در این چشم‌انداز جنگ مقدس، یک صدا با ظرافت و وضوح نجات‌بخش جهان سخن گفته است. پاپ لئو چهاردهم پیوسته خواستار پایان خشونت شده است. او در مراسم پنجشنبه مقدس در رم، به تکبر قدرت پرداخت:

ما معمولاً وقتی تسلط داریم، خود را قدرتمند، وقتی برابر خود را نابود می‌کنیم، پیروز و وقتی مورد ترس قرار می‌گیریم، بزرگ می‌دانیم. خداوند به ما نمونه‌ای داده است - نه از چگونگی تسلط، بلکه از چگونگی آزدسازی؛ نه از چگونگی نابودی زندگی، بلکه از چگونگی بخشیدن آن.

در یکشنبه نخل، پاپ دوباره صریح گفت که عیسی «به دعاهای کسانی که جنگ به راه می‌اندازند گوش نمی‌دهد، بلکه آنها را رد می‌کند.» هگست در ادامه، مراسم عبادت دیگری را در پنتاگون برگزار کرد، جایی که دوباره به نام مسیح برای «خشونت فراگیر» دعا کرد.

پروفسور جان مرشایمر دقیقاً بیان کرده است که جنایاتی که اکنون توسط ترامپ و نتانیاها مرتکب می‌شوند، همان جنایاتی هستند که رهبری نازی به خاطر آنها در نورنبرگ به دار آویخته شد: جنگ تهاجمی، الحاق سرزمین‌های خارجی، هدف قرار دادن عمدی زیرساخت‌های غیرنظامی و مجازات جمعی. این زیاده‌روی در لفاظی نیست. اینها مقولات قانونی هستند. دادگاه نورنبرگ جرم تجاوز را «جرم برتر بین‌المللی» نامید - جرمی که «در خود شر انباشته شده‌ی کل را در بر می‌گیرد» - زیرا این جرمی است که وقوع سایر جنایات را ممکن می‌سازد. این مردان علناً در سخنرانی‌هایی که توسط پخش‌کنندگان بین‌المللی پخش شد، به آن اعتراف کرده‌اند.

سازوکارهای نهادی که برای جلوگیری از دقیقاً این نوع فاجعه وجود دارند، از جمله شورای امنیت سازمان ملل، دادگاه کیفری بین‌المللی، رژیم عدم اشاعه و قوانین درگیری‌های مسلحانه، به طور فعال توسط ایالات متحده در حال تخریب هستند.

و با این حال، بزرگسالان جهان باید سعی کنند جلوی این دیوانگی را بگیرند. تلاش چندجانبه در اسلام‌آباد، شامل وزرای امور خارجه پاکستان، ترکیه، مصر و عربستان سعودی، که در کنار ابتکار صلح پنج ماده‌ای چین و پاکستان فعالیت می‌کنند، یک شروع مهم است. باید با تمام توان کشورهای عضو بریکس، مجمع عمومی سازمان ملل و هر کشوری که مایل به زندگی در جهانی است که توسط اداره می‌شود نه توسط توهمات دو خودشیفته بدخیم، به آن ببینند.

وقتی رهبران دیوانه از فاجعه الهی به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می‌کنند، فقط دشمنان آنها نیستند که از پا در می‌آیند. همه ما قربانی بلاهای نتانیا هو و بمباران ایران توسط ترامپ تا عصر حجر خواهیم شد، مگر اینکه رهبران دیگر محدودیت‌هایی برای این دو دیوانه ایجاد کنند.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ



د پاڼو شمېره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ